

ماهنامه
CyclicalWaves

*Merry
Christmas*
happy new year

شماره دوازدهم - زمستان ۱۴۰۴

در این شماره می‌خوانیم

- گسترش پلتفرم‌های کریپتو به سوی مالی سنتی
- رونق بدهی شرکتی ناشی از هوش مصنوعی
- توقیف نفتکش‌های ونزوئلا
- و ...



ماهنامه فارکس Cyclicalwaves

در دنیای مالی و اقتصادی امروز، تحلیل و پیش‌بینی روندهای بازار به یکی از چالش‌های اساسی برای سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران تبدیل شده است. بازارهای مالی به‌ویژه بازار فارکس، با نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی خود، نیازمند رویکردهای تحلیلی عمیق و دقیق هستند. در این راستا، ماهنامه فارکسی Cyclicalwaves به‌عنوان یک منبع معتبر و تخصصی، تلاش دارد تا با ارائه تحلیل‌های جامع و مبتنی بر داده‌های واقعی، به خوانندگان خود در درک بهتر و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر کمک کند.

Cyclicalwaves به بررسی الگوهای چرخه‌ای در بازار فارکس می‌پردازد. این الگوها نه تنها به شناسایی روندهای گذشته کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به پیش‌بینی حرکات آینده نیز بپردازند. در این ماهنامه، ما به بررسی اصول تحلیل تکنیکال و بنیادی، روانشناسی بازار، و تأثیرات اقتصادی بر نوسانات ارزها خواهیم پرداخت. هدف ما این است که با ارائه مطالب علمی و عملی، درک عمیق‌تری از بازار فارکس برای خوانندگان فراهم کنیم.



صاحب امتیاز: cyclicalwaves

هیات تحریریه:

علی شریف آزاده

امین طاهر زاده

دکتر پیام نیک کام

(مدرس بازارهای مالی)

علی فریادرس

محمد جواد آقازاده

امیرحسین آقاپور

(تحلیل گر و معامله گر فارکس)

صفحه‌آرا: سعیده عباسی



نشانی: کرج، عظیمیه، بلوار اقاچیا، جنب میدان بعثت، ساختمان آرنیا، طبقه ۵ واحد ۱۶
نشانی اینترنتی: www.cycfx.com
پست الکترونیک: Info@cycfx.com
واتساپ و تلگرام: ۰۹۹۲۸۰۰۶۰۰۲

با پایان یافتن سال ۲۰۲۵، مایلیم صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به شما، مشتریان گرامی، تقدیم کنیم؛ سالی که نه تنها یک تغییر تقویمی ساده بود، بلکه یکی از چالش‌برانگیزترین دوره‌ها برای بازارهای مالی جهانی در سال‌های اخیر به شمار می‌رفت. عبور موفق از این سال، نشان‌دهنده انضباط، پایداری و تاب‌آوری بالای ما و شما در مواجهه با شرایط پیچیده بازار است.

در طول سال ۲۰۲۵، تنش‌های ژئوپلیتیکی در مناطق مختلف جهان به‌طور مستمر فضای ریسک بازارها را تحت تأثیر قرار داد. هم‌زمان، سیاست‌های تجاری آمریکا تحت رهبری دونالد ترامپ—از جمله تهدیدهای تعرفه‌ای، رویکردهای حمایت‌گرایانه و پیام‌های ناگهانی مربوط به انتقاد از فدرال رزرو—موجب افزایش شدید نوسانات در بازارهای سهام، ارز، کالا و اوراق بدهی شد. این عوامل، فضایی آکنده از عدم قطعیت ایجاد کرد که حتی برای معامله‌گران و سرمایه‌گذاران حرفه‌ای نیز سالی دشوار رقم زد.

با وجود این شرایط ناپایدار و پرتنش، با افتخار می‌توانیم بگوییم که این سال را با موفقیت و در کنار یکدیگر پشت سر گذاشتیم. عدم قطعیت‌های بازار هرگز به سردرگمی استراتژیک منجر نشد، بلکه اهمیت تحلیل ساختارمند، مدیریت ریسک و تصمیم‌گیری مبتنی بر منطق را بیش از پیش برجسته کرد. در محیطی که اخبار و رویدادهای سیاسی به سرعت باعث تغییر قیمت‌ها می‌شدند، داشتن چارچوب‌های تحلیلی قابل اتکا نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد.

در این میان، عملکرد موفق سطوح حمایت و مقاومت ما که در قالب بسته تحلیلی «قالب‌های معاملاتی روزانه» (DTT) در طول سال ۲۰۲۵ یکی از دستاوردهای برجسته محسوب می‌شود. در کل سال گذشته، ۶۲۵ موقعیت از موقعیت‌های پیشنهادی ما فعال شد که ۴۶۹ موقعیت آن سودده بوده و تنها ۱۵۳ موقعیت زیانده داشتیم و به این ترتیب نرخ برد شگفت‌انگیز ۷۵٪ را به ثبت رساندیم. حتی در شرایطی که نوسانات شدید، بازگشت‌های ناگهانی روند و شوک‌های سیاسی بر بازارها حاکم بود، این سطوح توانستند به‌طور مستمر نقاط کلیدی و با احتمال بالا را مشخص کنند، مدیریت ریسک را بهبود بخشند و آرامش تصمیم‌گیری را حفظ نمایند. پایداری این سطوح در چنین سال پراشوبی، ارزش رویکردهای تکنیکال منظم و مبتنی بر ساختار را به‌خوبی نشان داد.

اعتماد، همراهی و پایداری شما به یک رویکرد سیستماتیک، نقش اساسی در این موفقیت داشت. به‌جای واکنش‌های احساسی به هر تیت‌خبری یا تصمیم سیاسی، تمرکز ما و شما همراهانمان بر سناریوها و سطوح از پیش تعریف‌شده، بار دیگر کارایی خود را اثبات کرد.

بار دیگر، عبور موفق مشترکمان از سال ۲۰۲۵ را تبریک می‌گوییم و

امیدواریم در مسیر پیش‌رو نیز با دقت، انسجام و اطمینان، همراه

یکدیگر گام برداریم.

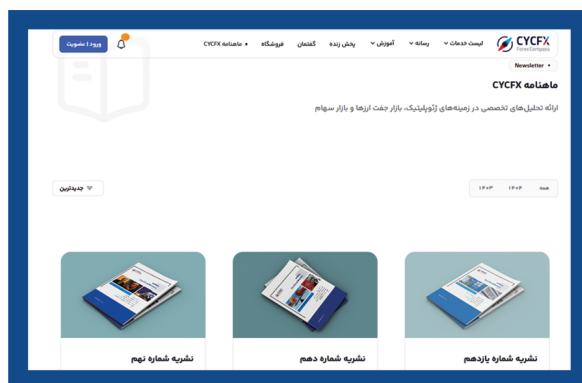
فهرست مطالب

“

با افتخار، شماره دوازدهم مجله تخصصی ژئوپلیتیک و فارکس **CYCFX** را به شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم. این شماره با تحلیل‌های دقیق و جامع به بررسی مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهان می‌پردازد که تأثیر مستقیم بر بازارهای مالی و ارزی دارند

در جهانی که تصمیمات سیاسی و اقتصادی می‌توانند در یک لحظه بازارهای جهانی را دگرگون کنند، درک عمیق‌تر این عوامل کلیدی امری ضروری است. این شماره با هدف ارائه بینش‌های کاربردی و استراتژیک، شما را دعوت می‌کند تا با نگاهی دقیق‌تر، به تأثیرات این تحولات بر آینده سرمایه‌گذاری و تجارت خود بپردازید.

امیدواریم مطالب این شماره بتواند ابزار ارزشمندی برای تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی شما باشد. پس با ما همراه شوید و به دنیای ژئوپلیتیک و فارکس از زاویه‌ای تازه نگاه کنید.



برای دسترسی به مجله‌ها
اسکن کنید.

گسترش پلتفرم‌های کریپتو به سوی مالی سنتی: تحول در سیستم مالی جهانی و فرصت‌هایی برای کشورهای تحریم‌شده

۵

توقیف نفتکش‌های ونزوئلا: اهرمی در رقابت ژئوپلیتیکی آمریکا و چین

۷

دامپینگ چینی: تهدیدی پنهان برای تجارت جهانی در سایه ضعف داخلی

۹

رونق بدهی شرکتی ناشی از هوش مصنوعی: فرصت‌ها، ریسک‌ها و پیامدهای بازار

۱۱

شیوه معامله‌گری، موقعیت‌های معاملاتی خوب را به ما نشان می‌دهد

۱۳





به قلم: علی شریف آزاده

گسترش پلتفرم‌های کریپتو به سوی مالی سنتی:

تحول در سیستم مالی جهانی و فرصتهایی برای

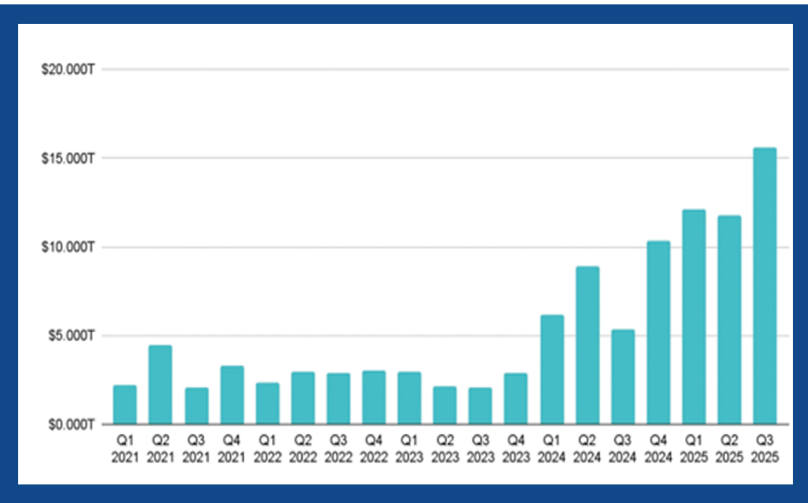
کشورهای تحریم‌شده

در سال ۲۰۲۵، صنعت کریپتوکارنسی گام‌های بلندی به سوی ادغام با نظام مالی سنتی برداشته است. این سال را بسیاری کارشناسان «سال بلوغ کریپتو» نامیده‌اند، جایی که دارایی‌های دیجیتال از حاشیه به مرکز سیستم مالی جهانی منتقل شده‌اند. طبق گزارش‌های منتشره، حجم معاملات استیبل کوین‌ها در سال ۲۰۲۵ به رکوردهای جدیدی رسیده و بیش از ۹ تریلیون دلار پرداخت را پردازش کرده‌اند که رشدی ۸۷ درصدی نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. این گسترش نه تنها توسط پلتفرم‌های متمرکز (CeFi) مانند Coinbase و Binance، بلکه با ورود نهادهای سنتی مانند BlackRock و Mastercard تقویت شده است همچنین ETFهای بیتکوین، به ویژه iShares Bitcoin (IBIT) Trust، شرکت BlackRock، علی‌رغم افت ۹.۶ درصدی قیمت بیتکوین در سال، بیش از ۲۵ میلیارد دلار سرمایه جذب کرده و در رتبه ششم ورودی‌های جهانی ETFها قرار گرفته است.

این ادغام چندوجهی است. استیبل کوین‌ها، مانند USDT و USDC، به عنوان ستون فقرات پرداخت‌های مدرن عمل می‌کنند. گزارش McKinsey پیش‌بینی می‌کند که با کاهش موانع مقرراتی و افزایش استفاده در پرداخت‌های فرامرزی ۲۰۲۵ نقطه عطفی برای استیبل کوین‌ها باشد. شرکت‌هایی مانند PayPal و Visa حالا خدمات کریپتو را مستقیماً به کاربران سنتی عرضه

می‌کنند، در حالی که بانک‌های بزرگ مانند JPMorgan روی بلاکچین‌های خصوصی برای تسویه سریع‌تر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. همچنین، DeFi (مالی غیرمتمرکز) با TradFi همگرا شده و مدل‌های هیبریدی ایجاد کرده است. گزارش موسسات معتبری مانند Grayscale سال ۲۰۲۶ را «عصر نهادی» کریپتو می‌نامد که با گسترش ETPها (محصولات معاملاتی مبادله‌ای) برای دارایی‌های بیشتر همراه خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این گسترش، فرصتهایی است که برای شهروندان کشورهای تحت تحریم سنگین، مانند ایران، فراهم می‌شود. تحریم‌های بین‌المللی، به ویژه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، دسترسی شهروندان ایرانی به سیستم مالی جهانی را شدیداً محدود کرده است. سیستم SWIFT برای انتقال پول مسدود شده و بانک‌های ایرانی از شبکه‌های جهانی خارج هستند. در چنین شرایطی، کریپتوکارنسی به عنوان جایگزینی عمل کرده و امکان دسترسی غیرمستقیم به بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. در سال‌های اخیر، ایران یکی از کشورهای پیشرو در پذیرش کریپتو در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. طبق گزارش Chainalysis، شهروندان ایرانی از پلتفرم‌های P2P (همتا به همتا) مانند LocalBitcoins یا صرافی‌های غیرمتمرکز برای خرید و فروش بیتکوین و استیبل کوین‌ها استفاده می‌کنند. این ابزارها اجازه می‌دهند تا پول به صورت سریع و ارزان به خارج منتقل شود – مثلاً برای ارسال پول خانواده‌ها برای دانشجویان خارج کشور یا حتی واردات سبک کالا. استیبل کوین‌ها، که ارزش ثابت نسبت به دلار دارند، به حفظ ارزش دارایی در برابر تورم شدید ریال کمک می‌کنند. در شرایطی که تورم ایران بیش از ۴۰ درصد است، بیتکوین و اتریوم به عنوان پوشش ریسکی برای حفظ توان خرید



دارایی خانواده‌های ایرانی عمل کرده‌اند.

تا اواسط ۲۰۲۵، حجم معاملات کریپتو در ایران حدود ۳.۷ میلیارد دلار بوده که هرچند ۱۱ درصد کاهش نسبت به سال قبل نشان می‌دهد (احتمالاً به دلیل مقررات داخلی و فشارهای خارجی) اما با این حال، گسترش پلتفرم‌های کریپتو به فضای مالی سنتی، فرصت‌های جدیدی ایجاد کرده است. برای مثال، با ادغام شدن استیبل کوین‌ها در پرداخت‌های جهانی، ایرانی‌ها می‌توانند از سرویس‌هایی مانند Wise یا حتی کارت‌های اعتباری مبتنی بر کریپتو برای تراکنش‌های روزمره استفاده کنند. همچنین، ETFهای بیتکوین، بدون نیاز به حساب بانکی آمریکایی اجازه سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در دارایی‌های دیجیتال را از طریق واسطه‌های خارجی فراهم می‌کند.

این فرصت‌ها فراتر از افراد است. کسب‌وکارهای ایرانی از کریپتو برای دور زدن تحریم‌ها در تجارت استفاده می‌کنند، مانند پرداخت به تأمین‌کنندگان چینی یا هندی. گزارش TRM Labs نشان می‌دهد که کشورهای تحریم‌شده همچنان بخش قابل توجهی

از جریان‌های کریپتو را دریافت می‌کنند، هرچند OFAC (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا) در ۲۰۲۵ شبکه‌های تسهیل‌کننده تحریم‌زدایی با کریپتو را تحریم کرده است.

با وجود این فرصت‌ها، ریسک‌ها جدی هستند. ماهیت نوسانی قیمت کریپتو می‌تواند منجر به ضررهای سنگین شود. همچنین، مقررات جهانی سخت‌تر شده: اتحادیه اروپا تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را در ۲۰۲۵ بازگردانده و ایالات متحده آدرس‌های کریپتو مرتبط با دور زدن تحریم را مسدود کرده است. استفاده نادرست می‌تواند به عواقب قانونی منجر شود. کارشناسان صندوق بین‌المللی پول تأکید می‌کنند که DeFi و TradFi باید با استانداردهای مشترک همکاری کنند تا ریسک‌های نقل و انتقال‌های غیرقانونی بین‌المللی کاهش یابد.

در مجموع، گسترش پلتفرم‌های کریپتو به فضای مالی سنتی در ۲۰۲۵، سیستم مالی را دموکراتیک‌تر کرده و دسترسی جهانی را افزایش داده است. برای شهروندان کشورهای تحریم‌شده مانند ایران، این گسترش دریچه‌ای به جهان مالی باز کرده – فرصتی برای ارسال و دریافت پول به صورت ارزان، حفظ ارزش دارایی و تجارت آزادتر. اما این فرصت‌ها با ریسک‌های مقرراتی و امنیتی همراه است. آینده نشان خواهد داد که آیا این ادغام به فضای دموکراتیک‌تر مالی واقعی منجر می‌شود یا به تشدید کنترل‌ها. در دنیای چندقطبی مالی، کریپتو نه تنها ابزار سرمایه‌گذاری، بلکه پلی برای اتصال حاشیه‌نشینان به مرکز است.

توقیف نفتکش‌های ونزوئلا: اهرمی در رقابت ژئوپلیتیکی آمریکا و چین

پیش‌گفتار

در دسامبر ۲۰۲۵، ارتش آمریکا کارزار تهاجمی خود علیه صادرات نفت ونزوئلا را تشدید کرد. گارد ساحلی آمریکا چندین نفتکش حامل نفت خام این کشور را در آب‌های بین‌المللی توقیف کرد، از جمله کشتی پرچم پاناما به نام سنچریز (Centuries) که مقصد آن چین بود. این اقدامات، که بر اساس اعلام «محاصره کامل» دونالد ترامپ بر نفتکش‌های تحریم‌شده انجام شد، نه تنها رژیم نیکلاس مادورو را هدف قرار داد، بلکه ضربه‌ای مستقیم به منافع انرژی چین وارد کرد. در چارچوب رقابت کلان دو ابرقدرت، این توقیف‌ها فراتر از مسئله ونزوئلا بخشی از استراتژی گسترده واشنگتن برای مهار نفوذ پکن در منابع انرژی جهانی و نیمکره غربی است.

ونزوئلا با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر اثبات‌شده نفت جهان، در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز تولید کرده که تقریباً ۱ درصد عرضه جهانی را تشکیل می‌دهد. طبق داده‌های تحلیلی، چین بیش از ۷۶ تا ۸۰ درصد این صادرات را جذب می‌کند که اغلب با تخفیف‌های قابل توجه همراه است. نفت سنگین ونزوئلا (مانند گرید مری) برای پالایشگاه‌های پیچیده چین ایده‌آل است و جایگزین کردن آن با منابع روسی یا خاورمیانه‌ای هزینه بیشتری دارد. توقیف کشتی‌هایی مانند سنچریز، که ۲ میلیون بشکه نفت خام حمل می‌کرد، مستقیماً زنجیره تأمین انرژی چین را مختل می‌کند. کارشناسان معتقدند که ادامه این فشار می‌تواند پکن را مجبور به پرداخت قیمت‌های بالاتر کند و حاشیه سود پالایشگاه‌های آن را کاهش دهد.



این اقدامات آمریکا ریشه در توافقات قانونی دارد. توقیف سنچریز احتمالاً بر اساس پیمان سال ۲۰۰۲ سالاس-بکر با پاناما انجام شد که اجازه بازرسی سریع کشتی‌های پرچم پاناما را به آمریکا می‌دهد. از ۲۳ نفتکش سایه فعال در منطقه اقتصادی ونزوئلا، چند کشتی پرچم پاناما شناسایی شده‌اند که بارگیری کرده‌اند. این انتخاب آمریکایی‌ها برای هدف قرار دادن کشتی‌های تحت پرچم پاناما تصادفی نبوده و همزمان با تنش‌های فزاینده بر سر کانال پاناما رخ می‌دهد. ترامپ بارها ادعا کرده که چین این آبراه استراتژیک را «کنترل» می‌کند و تهدید به بازپس‌گیری آن کرده است. معامله فروش بلوک اصلی سهام شرکت هنگ‌کنگی CK Hutchison که بنادر کلیدی کانال را اداره می‌کند به کنسرسیومی غربی ظاهراً تحت فشار پکن برای ورود شرکت دولتی کوسکو متوقف شده است و از این جهت توقیف کشتی‌های پرچم پاناما پیامی دوگانه است: هم فشار بر ناوگان سایه ونزوئلا، هم هشدار به پاناما برای فاصله‌گیری از چین و شتاب بخشیدن به انجام معامله کلیدی واگذاری بنادر مهم کانال پاناما به کنسرسیوم آمریکایی.

واکنش چین به این تحولات سریع و شدید بوده است. وزارت خارجه این کشور توقیف‌ها را «نقض فاحش قوانین بین‌المللی» و «دزدی دریایی» خوانده و حمایت کامل از ونزوئلا اعلام کرده است. روسیه نیز به این جبهه پیوسته و هر دو کشور قول حمایت سیاسی و اقتصادی دادند. این همگرایی نشان‌دهنده محور ضدآمریکایی در حال تقویت است که ونزوئلا را به عنوان نقطه تلاقی منافع تبدیل کرده. اما در عمق، این رویدادها بخشی از جنگ سرد جدید انرژی بین آمریکا و چین هستند.

از دیدگاه استراتژیک، واشنگتن با قطع درآمد نفتی مادورو (که متهم به قاچاق مواد مخدر و حمایت از تروریسم است)،

دو هدف را دنبال می‌کند: اول، تضعیف رژیم‌های متخاصم در حیطات خلوت خود (و منطبق با استراتژی جدید امنیت ملی ترامپ)؛ دوم، ضربه به چین که بزرگ‌ترین شریک تجاری ونزوئلا است. این تاکتیک شبیه اقدامات قبلی علیه نفت ایران و روسیه است – جایی که تحریم‌ها و توقیف‌ها زنجیره تأمین پکن را هدف قرار دادند. آرون روث، کارشناس سابق گارد ساحلی، می‌گوید: «فشار بر نفت ونزوئلا نه تنها مادورو را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه چین را نیز به صورت استراتژیک هدف می‌گیرد.» ادامه این وضعیت می‌تواند فضای مذاکره در روابط دوجانبه ایجاد کند، اما همزمان خطر تشدید تنش را افزایش می‌دهد.

در رقابت کلان، انرژی به سلاح اصلی تبدیل شده. چین با وابستگی فزاینده به واردات نفت (بیش از ۷۰ درصد نیازش)، آسیب‌پذیر است. آمریکا، به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان، از موقعیت خود برای کنترل جریان‌های جهانی استفاده می‌کند. توقیف‌های اخیر نشان می‌دهند که واشنگتن حاضر است قوانین دریایی را تفسیر گسترده کند – حتی کشتی‌های غیرتحریم‌شده را هدف قرار دهد – تا برتری ژئوپلیتیکی خود را حفظ کند. این رویکرد، همراه با تنش‌های کانال پاناما و دریای جنوبی چین، تصویر روشنی از دنیای چندقطبی ارائه می‌دهد که در آن منابع طبیعی به میدان نبرد تبدیل شده‌اند.

در مجموع، این بحران می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری داشته باشد: افزایش قیمت جهانی نفت، تقویت اتحاد چین-روسیه-ونزوئلا، یا حتی مذاکرات پشت پرده برای کاهش تنش. اما تا زمانی که رقابت آمریکا و چین ادامه دارد، کشورهای کوچک‌تر مانند ونزوئلا و پاناما به قربانیان ناخواسته این جنگ سرد جدید تبدیل خواهند شد. آینده انرژی جهان نه تنها به ذخایر زیرزمینی، بلکه به تعادل قدرت در دریاها بستگی دارد.

دامپینگ چینی: تهدیدی پنهان برای تجارت جهانی در سایه ضعف داخلی

پیش گفتار

در سال ۲۰۲۵، اقتصاد چین با دوگانگی عجیبی روبرو است: از یک سو، تقاضای مصرفی داخلی ضعیف و رو به افول، که ریشه در بحران مسکن، انتظارات پایین خانوارها و شبکه ایمنی اجتماعی ناکارآمد دارد؛ از سوی دیگر، ظرفیت تولیدی عظیم و ارزان، که به لطف یارانه‌های دولتی و نیروی کار ارزان و نیز استفاده روزافزون چینی‌ها از ربات و هوش مصنوعی در فرآیند تولید، محصولات را با قیمتی رقابتی به بازارهای جهانی عرضه می‌کند.

این عدم تعادل، ترس از "دامپینگ" –

فروش محصولات زیر قیمت تمام‌شده برای فتح بازارها را در میان شرکای تجاری چین برانگیخته است.

طبق گزارش‌های اخیر، مازاد تجاری چین در سال جاری به رکورد یک تریلیون دلار رسیده، که عمدتاً به دلیل صادرات انفجاری به اروپا و بازارهای نوظهور است. این روند نه تنها تعرفه‌های حفاظتی را در ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریک کرده، بلکه می‌تواند به یک "شوک چینی" منجر شود، جایی که ظرفیت‌های عظیم صنعتی مازاد چین، بازارها و قیمت‌گذاری‌های جهانی را مختل کند. در این مقاله، به بررسی ریشه‌های این پدیده و واکنش‌های بین‌المللی می‌پردازیم.

جهش عجیب مازاد تجاری چین!

مازاد تجاری چین در نوامبر امسال به ۱۱۱.۶۸ میلیارد دلار افزایش یافت، در حالی که این رقم در همان ماه سال گذشته ۹۷.۳۳ میلیارد دلار بود و از پیش‌بینی ۱۰۰.۲ میلیارد دلار فراتر رفت. این بزرگ‌ترین مازاد تجاری از ژوئن امسال به این سو به شمار می‌رود، زیرا صادرات بیشتر از واردات افزایش یافته است. صادرات سالانه ۵.۹٪ رشد کرد که از پیش‌بینی ۳.۸٪ بیشتر بود و پس از کاهش ۱.۱٪ در اکتبر، بهبود یافت، که با افزایش ناگهانی محموله‌های ارسالی به بازارهای غیرآمریکایی تقویت شد، در حالی که دولت چین از زمان پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر گذشته تلاش کرده است مقاصد صادراتی را متنوع کرده و روابط تجاری با آسه‌آن و اتحادیه اروپا را عمیق‌تر سازد. در همین حال، حجم صادرات به آمریکا ۲۸.۶٪ کاهش یافت که هشتمین ماه متوالی کاهش دو رقمی را نشان می‌دهد.

شکست دولت چین در تحریک پایدار تقاضای داخلی

ضعف تقاضای مصرفی داخلی چین، که از دوران پساکرونا تشدید شده، یکی از عوامل کلیدی این بحران است. بر اساس گزارش بانک جهانی در ژوئن ۲۰۲۵، مصرف خانوارها به دلیل عدم اطمینان شغلی و بحران بخش املاک، تنها ۳ درصد رشد سالانه داشته، در حالی که پیش‌بینی‌ها مبنی بر رشد ۴.۵ درصد بود. فروش خرده‌فروشی در سپتامبر ۲۰۲۵، معادل ۲.۲ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت – بیست و ششمین ماه متوالی افت – که نشان‌دهنده "انتظارات ضعیف" خانوارها است. نظام تامین اجتماعی ضعیف، به ویژه مزایای بازنشستگی ناکافی، خانوارها را وادار به پس‌انداز پیشگیرانه می‌کند، نه مصرف. گزارش مؤسسه سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی (PIIE) تأکید می‌کند که این ضعف ساختاری، مصرف خصوصی را به سطحی بسیار نازل رسانده و رشد GDP را به ۴.۸ درصد در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۵ محدود کرده است. دولت چین با سیاست‌های مالی مانند یارانه‌های مصرفی تلاش کرده، اما این اقدامات موقتی تنها مومنتوم کوتاه‌مدت ایجاد کرده‌اند. در نتیجه، تقاضای داخلی ناکافی، کارخانه‌های چینی را به سمت صادرات سوق می‌دهد، جایی که محصولات انباشته‌شده با قیمت‌های پایین عرضه می‌شوند.

صادرات ارزان چینی و فتح بازارهای خارجی به هزینه صنایع داخلی کشورهای هدف

این ضعف داخلی با ظرفیت تولیدی ارزان و بیش از حد چین ترکیب شده و مازاد ظرفیت تولیدی این کشور را به سطح تهدیدآمیزی رسانده است. چین، با یارانه‌های دولتی در صنایع کلیدی مانند خودروهای الکتریکی، فولاد و پنل‌های خورشیدی، هزینه‌های تولید را به حداقل رسانده. برای مثال، قیمت صادرات خودروهای برقی چینی در ۲۰۲۵ حدود ۲۰ درصد کاهش یافت، که عمدتاً به دلیل مازاد تولید است. گزارش شورای روابط خارجی (CFR) هشدار می‌دهد که برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵"، با هدف سلطه بر فناوری‌های پیشرفته، این ظرفیت تولیدی مازاد را تشدید کرده و تجارت جهانی را تهدید می‌کند. در نتیجه، چین محصولات را با قیمتی بشدت نازل به بازارهای خارجی دامپ می‌کند که نه لزوماً به دلیل تعرفه‌های آمریکایی، بلکه به خاطر ضعف تقاضای داخلی اش است. تحقیقات بانک مرکزی اروپا (ECB) تأیید می‌کند که

دامپینگ چینی از قبل از تعرفه‌های ترامپ آغاز شده و اکنون اروپا را هدف قرار داده، جایی که واردات از چین ۸.۲ درصد افزایش یافته است. این استراتژی، شرکت‌های محلی را در کشورهای واردکننده ورشکست می‌کند و بیکاری را افزایش می‌دهد.

مقابله با دامپینگ چینی به آمریکا و ترامپ محدود نمی‌شود

ترس از این دامپینگ، کشورها را به سمت تدابیر تعرفه‌ای سوق داده است. در ایالات متحده، تعرفه‌های ترامپ بر کالاهای چینی به میانگین ۴۷ درصد رسیده، هرچند توافق نوامبر ۲۰۲۵ با شی جین‌پینگ، برخی تعرفه‌ها را به ۱۰ درصد کاهش داد – اما صادرات چین به آمریکا همچنان ۲۹ درصد افت کرده، که تولیدکنندگان چینی را به سمت اروپا و آمریکای لاتین هدایت می‌کند. اتحادیه اروپا، که کسری تجاری‌اش با چین به رکوردهای جدیدی رسیده، تحقیقات ضددامپینگ را بر روی مواد شیمیایی و خودروهای الکتریکی تشدید کرده و تعرفه‌های جدیدی را برای ۲۰۲۵ اعمال خواهد کرد و در همین راستا، در سفر امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه به چین وی تهدید کرد که برای دستیابی به رابطه تجاری متعادل‌تر با چین، تعرفه‌هایی بر کالاهای ساخته این کشور اعمال خواهد کرد.

گزارش مِریکس (MERICS) نشان می‌دهد که این اقدامات، از جمله تعرفه‌های مکزیک بر کالاهای چینی، بخشی از پاسخ جهانی به صادرات بشدت ارزان چین است. حتی کشورهای در حال توسعه، مانند هند و برزیل، با افزایش موانع غیرتعرفه‌ای، از نفوذ چینی جلوگیری می‌کنند. این واکنش‌ها، هرچند حفاظتی، می‌توانند به جنگ تجاری گسترده‌تری منجر شوند، همان‌طور که خزانه‌داری آمریکا در ژوئیه ۲۰۲۴ هشدار داد.

نتیجه‌گیری

در نهایت، این چرخه – ضعف داخلی چین و دامپینگ صادراتی – نه تنها تجارت جهانی را مختل می‌کند، بلکه رشد اقتصادی را در همه جا کند می‌سازد. بدون اصلاحات ساختاری در چین، مانند تقویت مصرف داخلی از طریق تقویت نظام تامین اجتماعی، تعرفه‌ها افزایش خواهند یافت و زنجیره بازارها و قیمت‌گذاری محصولات جهانی را از هم خواهدگسیخت.



رونق بدهی شرکتی ناشی از هوش مصنوعی: فرصت‌ها، ریسک‌ها و پیامدهای بازار

گسترش سریع هوش مصنوعی به یکی از نیروهای تعیین‌کننده اقتصادی در دهه جاری تبدیل شده است؛ نیرویی که نه تنها مدل‌های کسب‌وکار، بلکه ساختار تخصیص سرمایه و پویایی بازارهای مالی را نیز دگرگون کرده است. در حالی که رشد چشمگیر ارزش سهام شرکت‌های فناوری بیشترین توجه رسانه‌ای را به خود جلب کرده، پدیده‌ای کم‌سروصداتر اما بالقوه مهم‌تر در حال شکل‌گیری است: افزایش قابل توجه انتشار بدهی شرکتی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی.

شرکت‌های بزرگ فناوری و ارائه‌دهندگان زیرساخت، با سرعتی بی‌سابقه به بازار اوراق بدهی روی آورده‌اند تا هزینه‌های مربوط به مراکز داده، زنجیره تأمین نیمه‌هادی‌های پیشرفته، ظرفیت رایانش ابری و زیرساخت‌های پرمصرف انرژی را تأمین کنند. این روند، اگرچه بیانگر اعتماد به سودآوری بلندمدت هوش مصنوعی است، هم‌زمان نگرانی‌هایی جدی درباره سطح اهرم مالی، ریسک بازتأمین مالی و آسیب‌پذیری سیستماتیک بازار ایجاد کرده است.

در قلب این روند، ماهیت بسیار سرمایه‌بر هوش مصنوعی قرار دارد. آموزش مدل‌های بزرگ و پیاده‌سازی آن‌ها در مقیاس تجاری نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه عظیم در سخت‌افزارهای تخصصی، شبکه‌های پرظرفیت، سیستم‌های خنک‌کننده و تأمین پایدار انرژی است. حتی شرکت‌های دارای ذخایر نقدی قابل توجه نیز ترجیح می‌دهند به جای افزایش سرمایه، از بدهی برای تأمین مالی این پروژه‌ها استفاده کنند. در شرایطی که هزینه استقراض برای شرکت‌های با رتبه اعتباری بالا هنوز نسبتاً جذاب است، انتشار اوراق بدهی به آن‌ها اجازه می‌دهد ضمن حفظ بازده سهامداران، سرعت توسعه ظرفیت‌های هوش مصنوعی را افزایش دهند.

در نتیجه، حجم بدهی شرکت‌های سرمایه‌گذاری‌پذیر در ایالات متحده به نزدیکی سطوح تاریخی رسیده و سهم شرکت‌های فناوری از انتشار اوراق جدید به‌طور محسوسی افزایش یافته است. این موضوع ترکیب بازارهای اعتباری را نیز تغییر داده است. اوراقی که برای تأمین مالی زیرساخت‌های هوش مصنوعی منتشر می‌شوند، اغلب سررسیدهای بلندمدت دارند و همین امر حساسیت آن‌ها را نسبت به تغییرات نرخ بهره افزایش می‌دهد. در حال حاضر، فاصله بازدهی (اسپرد) اعتباری نسبتاً فشرده باقی مانده که نشان می‌دهد بازارها به جریان‌های نقدی قوی ناشی از افزایش بهره‌وری مبتنی بر هوش مصنوعی خوش‌بین هستند. با این حال، این خوش‌بینی ممکن است ریسک‌های اجرایی و چالش‌های واقعی کسب درآمد از این فناوری را دست‌کم گرفته باشد.

یکی از نگرانی‌های فوری، ریسک بازتأمین مالی است. بسیاری از اوراق منتشرشده در موج فعلی سرمایه‌گذاری هوش مصنوعی، در سال‌هایی سررسید خواهند شد که شرایط اقتصادی و پولی ممکن است به مراتب سخت‌گیرانه‌تر از امروز

باشد. در صورتی که نرخ‌های بهره برای مدت طولانی بالا باقی بمانند یا رشد اقتصادی تضعیف شود، هزینه تمدید بدهی به‌طور قابل‌توجهی افزایش خواهد یافت. شرکت‌هایی که به‌طور تهاجمی از اهرم مالی استفاده کرده‌اند، ممکن است ناچار به کاهش سرمایه‌گذاری، محدود کردن بازخرید سهام یا حتی پذیرش تنزل رتبه اعتباری شوند. چنین تنزل‌هایی می‌تواند اثرات زنجیره‌ای بر سرمایه‌گذاران نهادی دارای محدودیت‌های اعتباری ایجاد کرده و نوسانات بازار را تشدید کند.

از منظر کلان‌تر، تمرکز انتشار بدهی در میان تعداد محدودی از شرکت‌های بزرگ فناوری نوعی ریسک بخشی ایجاد می‌کند. اگر انتظارات نسبت به سودآوری هوش مصنوعی به دلیل مقررات سخت‌گیرانه، کندی پذیرش یا موانع فناورانه بازبینی شود، بازقیمت‌گذاری ناگهانی در بازار سهام و اوراق بدهی محتمل خواهد بود. با توجه به وزن بالای این شرکت‌ها در شاخص‌های اصلی، چنین شوکی می‌تواند به کل بازارهای مالی سرایت کند.

با این حال، دیدگاه خوش‌بینانه‌تری نیز وجود دارد. طرفداران این روند معتقدند افزایش بدهی بازتابی از تخصیص منطقی سرمایه است، نه افراط مالی. هوش مصنوعی ظرفیت ایجاد جریان‌های درآمدی پایدار در طیف وسیعی از صنایع را دارد و اگر افزایش بهره‌وری مورد انتظار محقق شود، بدهی‌های امروز در آینده ناچیز به نظر خواهند رسید. افزون بر این، شرکت‌های بزرگ فناوری معمولاً از ترازنامه‌های قوی، تنوع درآمدی و نقدینگی بالا برخوردارند که ریسک نکول کوتاه‌مدت را کاهش می‌دهد.

در نهایت، برای سرمایه‌گذاران، تمایز میان اهرم مالی پایدار و زیاده‌روی سفته‌بازانه اهمیت حیاتی دارد. تحلیل اعتباری بیش از پیش به ارزیابی استراتژی هوش مصنوعی شرکت‌ها وابسته شده است؛ نه صرفاً اینکه آیا در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کنند، بلکه اینکه تا چه حد می‌توانند هزینه‌های زیرساختی را به حاشیه سود پایدار و جریان نقدی قابل اتکا تبدیل کنند. رونق بدهی ناشی از هوش مصنوعی، هم‌زمان فرصتی برای رشد و منبعی از ریسک‌های جدید است که نظارت دقیق بر آن برای آینده ثبات مالی ضروری خواهد بود.



به قلم: علی فریادرس

شیوه معامله‌گری، موقعیت‌های معاملاتی خوب را به ما نشان می‌دهد.

در بازارهای مالی، معامله‌گران اغلب تصور می‌کنند که موقعیت معاملاتی خوب، یک واقعیت عینی است که در نمودار پنهان شده و باید آن را پیدا کنند در حالی که این یکی از بزرگترین پارادوکس‌های دنیای معامله‌گری است. درواقع اکثر معامله‌گران بازار را آن‌گونه که هست نمی‌بینند، بلکه آن‌گونه که می‌خواهند، می‌بینند.

عبارت «شیوه معامله‌گری، موقعیت‌های معاملاتی خوب را به ما نشان می‌دهد» بیانگر یک همگرایی درونی بوده و به این معناست که تنها زمانی که سبک معاملاتی و استراتژی شما با ساختار شخصیتی و حتی عصبی شما هم‌راستا باشد، سیستم رتیکولار فعال‌کننده مغز (RAS) قادر به تشخیص فرصت‌ها در میان نویزهای بازار خواهد بود. این‌گونه به این قضیه نگاه کنید که در هر ثانیه، میلیون‌ها بیت اطلاعات حسی (صدا، تصویر، دما و...) به سمت مغز هجوم می‌آورند و اینجاست که عملکرد RAS کمک می‌کند که از میان این حجم از انبوه اطلاعات، فقط اطلاعاتی بررسی شود که برای ما مهم تعریف شده باشند. این نحوه پردازش عملاً تایید کننده تئوری ماشین قرمز نیز است که بیان می‌کند وقتی ما بر روی یک چیز خاص مثلاً «ماشین قرمز» تمرکز می‌کنیم، ناگهان آن چیز در اطراف ما بیشتر به چشم می‌آید.

بیایید کمی عمیق‌تر این موضوع را بررسی کنیم. زمانی که یک معامله‌گر استراتژی یا افق سرمایه‌گذاری را انتخاب می‌کند که با تیپ شخصیتی او در تضاد است (مثلاً یک فرد عجول یا هیجانی که می‌خواهد به صورت بلندمدت سرمایه‌گذاری کند)، در مغز وضعیتی رخ می‌دهد که در روانشناسی به آن ناهماهنگی شناختی (Cognitive Dissonance) می‌گویند. طبق نظریه لئون فستینگر، این ناهماهنگی باعث ایجاد تنش روانی و فعال‌سازی پاسخ استرس در بدن می‌شود.

با افزایش سطح استرس و ترشح کورتیزول، اولویت‌بندی RAS تغییر می‌کند زیرا بدن ما از ابتدا طوری طراحی شده است که به دنبال کاهش استرس و بقا است. مغز که اکنون در حالت تدافعی قرار گرفته، تمرکز خود را از شکار فرصت‌های بازار به تسکین تنش درونی تغییر می‌دهد. در این حالت، معامله‌گر عملاً موقعیت‌های درست یا سیگنال‌های مثبت بازار را نادیده گرفته و چیزی را می‌بیند که ترس و تردید او را تایید می‌کنند چرا که برای کاهش این استرس به دنبال تاییدی است که بتواند با اتکا به آن خود را آرام کند.

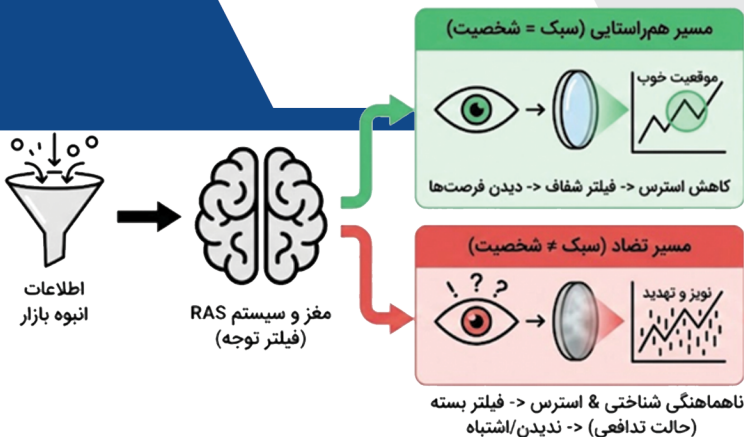
در چنین شرایطی، ذهن به جای پردازش آرام و منظم اطلاعات مطابق پلن، ممکن است به سمت کاهش تنش و کنترل تهدید متمایل شود؛ یعنی بعضی محرک‌های هشداردهنده برجسته‌تر شوند و برخی اطلاعات خنثی یا حتی مثبت، کمتر به چشم بیایند. این همان جایی است که هم‌راستایی سبک و شخصیت بیشتر معنا پیدا می‌کند؛ هرچه سبک با ظرفیت‌های روانی و رفتاری فرد سازگارتر باشد، احتمال اینکه معامله‌گر در لحظه‌های حساس از پلن خارج شود یا رفتار سوگیری‌های توجهی شود، کمتر خواهد بود.

در واقع استراتژی بسیاری از معامله‌گران مشکلی ندارد؛ مشکل این است که استراتژی‌شان در شرایط واقعی بازار با ظرفیت‌های روانی و رفتاری‌شان سازگار نیست. در نتیجه حتی اگر سیستم معاملاتی یا استراتژی شما روی کاغذ عالی باشد و طبق بررسی‌های شما عملکرد خوبی دارد، در اجرا به چیزی تبدیل می‌شود که مدام دستمایه تغییراتی جهت بهبود است. تا جایی که در جلسات دیده‌ام بعد از مدتی، استراتژی تغییر یافته اصلاً شباهتی به استراتژی اولیه ندارد؛ البته این امر به تنهایی بد نیست و اگر در جهت درست انجام شده باشد، نمی‌توان سازندگی آن را انکار کرد. چرا که شاید معامله‌گر راهی را پیدا کرده که این استراتژی جدید با خصوصیات و روحیاتش سازگار باشد. البته متأسفانه به ندرت این اتفاق می‌افتد زیرا اکثر معامله‌گران در میانه راه خسته شده و تغییر استراتژی را هدفمند انجام نمی‌دهند.

وقتی بازار وارد فاز پرنوسان می‌شود یا معامله‌گر تحت فشار تصمیمات یا معاملات قرار می‌گیرد، استرس می‌تواند کنترل شناختی را تضعیف کند و تصمیم‌ها را واکنشی‌تر کند. در این وضعیت، مغز به طور طبیعی به محرک‌های تهدیدزا حساس‌تر می‌شود و این حساسیت می‌تواند باعث شود برخی اطلاعات خنثی یا حتی فرصت‌های سازگار با پلن کمتر دیده شوند. این مکانیزم دقیقاً توضیح می‌دهد چرا بعضی معامله‌گران حتی با دیدن تریگرهای یا داشتن ستاپ‌های معاملاتی کاملاً شفاف، وارد معاملات نمی‌شوند، یا وارد می‌شوند اما خیلی زود و بی‌دلیل پوزیشن‌های خود را می‌بندند.

اگر فرد از یک‌سو به یک هویت معاملاتی متعهد شود (مثلاً من سرمایه‌گذار بلندمدتم و به پلن پایبندم) اما از سوی دیگر، رفتارهای لحظه‌ای او مرتب خلاف آن باشد (چک کردن وسواسی، جابه‌جا کردن حدضرر، خروج‌های عجولانه و...) یک تنش روانی شکل می‌گیرد که معامله‌گران معمولاً برای کاهش این تنش یا رفتار را تغییر می‌دهند، یا پلن را توجیه می‌کنند، یا باورهایشان را بازنویسی می‌کنند و بدتر از همه با سرزندش خود، به صورت کورکورانه تحلیل‌های معامله‌گران دیگر را دنبال می‌کنند بی‌آنکه بدانند خود را در چه چاه یا راه بی‌بازگشتی قرار می‌دهند.

اگر قرار باشد همه این بحث را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان گفت: موقعیت معاملاتی خوب قبل از اینکه روی نمودار



باشد، در قاب ذهنی شما تعریف می‌شود. شیوه‌ی معامله‌گری مثل یک لنز عمل می‌کند؛ لنزی که تعیین می‌کند از میان انبوه اطلاعات بازار، چه چیزهایی برای شما موقعیت عالی برای ورود به معامله محسوب شود و چه چیزهایی فقط نویز باشد. اما این لنز زمانی شفاف می‌ماند که با ویژگی‌های روانی و رفتاری شما سازگار باشد.

وقتی سبک انتخابی شما با تیپ شخصیتی‌تان در تضاد باشد، تنش و ناهماهنگی درونی بالا می‌رود و هرچه فشار بیشتر شود، احتمال واکنش‌های هیجانی، سوگیری توجهی و خروج از پلن هم بیشتر می‌شود. در چنین وضعیتی، مشکل معمولاً تحلیل یا استراتژی نیست؛ مشکل این است که سیستم شما قابل اجرا نیست و سیستمی که اجرا نشود، هر چقدر هم روی کاغذ عالی باشد، مزیت عملیاتی خود را ندارد.

پس معیار اصلی انتخاب سبک، این نیست که «کدام استراتژی سودده‌تر است»، بلکه این است که:

- ۱) آیا این استراتژی با شیوه معاملاتی من هماهنگ است؟
- ۲) آیا این شیوه معاملاتی با چشم انداز و روحیات من همخوانی دارد؟
- ۳) آیا می‌توانم این استراتژی را در روزهای بد هم اجرا کنم؟
- ۴) آیا قوانین آن استرس من را کاهش داده یا تشدید می‌کند؟
- ۵) آیا پس از چند ضرر، هنوز به پلن وفادار می‌مانم؟
- ۶) ...

در نهایت، هم‌راستایی سبک و شخصیت یعنی تبدیل کردن بازار از یک میدان واکنش‌های احساسی، به یک فرآیند تصمیم‌گیری قابل تکرار و دقیقاً همین است که «دیدن موقعیت‌های خوب» را ممکن می‌کند.



تحلیلگر: امیرحسین آقاپور

در اونس جهانی طلا با دو سناریو مواجه هستیم.

سناریو اول اتمام موج ۴ اصلاحی ماست که در آن صورت وارد شاخه پنجم صعود شده ایم و مسیر صعود قیمت تا حوالی ۴۶۰۰ به راحتی در دسترس خواهد بود.

و سناریو دوم ، مادامی که قیمت فراتر از ۴۵۸۵ نرفته شانس یک شاخه نزولی دیگر را همچنان خواهیم داشت

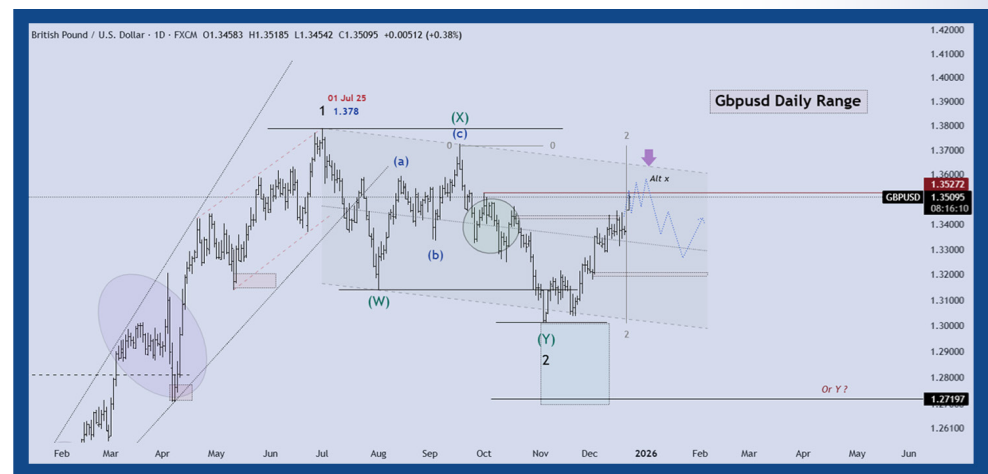
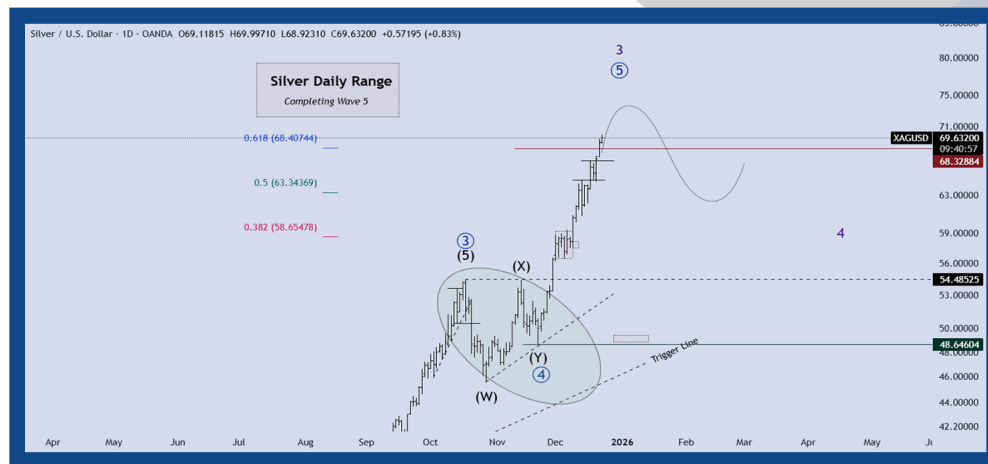
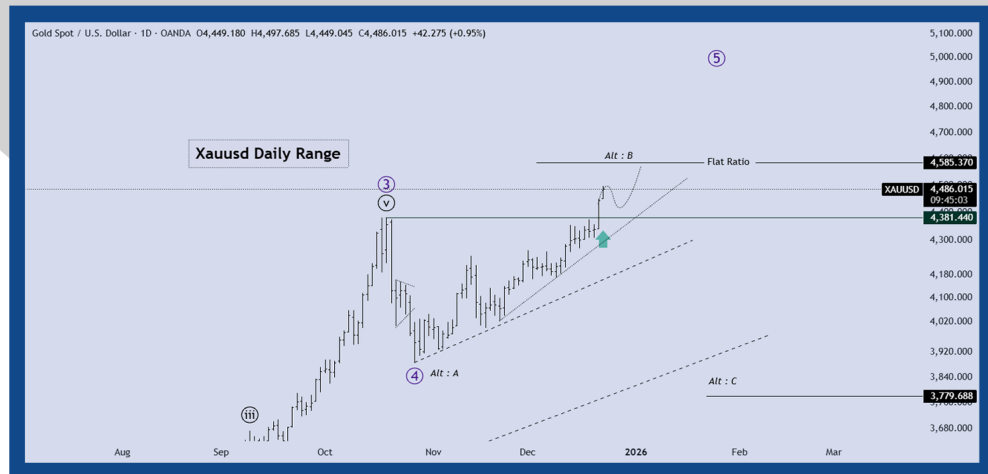
این نزول فرضی پتانسیل افت تا محدوده ۴۰۶۵ را خواهد داشت.

باید دید طلا در هفته های آتی با این محدوده مهم چه رفتاری خواهد داشت.

نقره پس از تکمیل موج ۴ خود در قالب یک الگوی کامپلکس وارد شاخه جدیدی از صعود خود شده این موج شاخه پنجم از موج ۳ سایکل ما تلقی می‌شود و پتانسیل رشد تا محدوده ۷۲ دلار را خواهد داشت.

کیبل پس از رسیدن به محدوده ۱,۳۰۱ ساختار اصلاحی خود را در قالب الگوی کامپلکس تکمیل کرده این الگو شانس پیچیده تر شدن را همچنان دارد

بنظر می‌رسد در هفته های آتی پوند پس از اصلاحی موقت به مسیر صعودی خود ادامه دهد..



در یورو به دلار کانادا بنظر می‌رسد شاخه صعودی را در ۱,۶۴۶ تکمیل کرده ایم ولی همچنان شانس یک سقف مینور دیگر را گوشه ذهن خواهیم داشت.

ضلع پایینی وج ما شکسته و میل به اصلاح قیمت به خوبی مشخص هست در صورت حفظ سقف اخیر اصلاح

قیمتی را تا محدوده ی ۱,۵۸۱ در گام اول و ۱,۵۴۳ را در گام بعدی شاهد خواهیم بود.

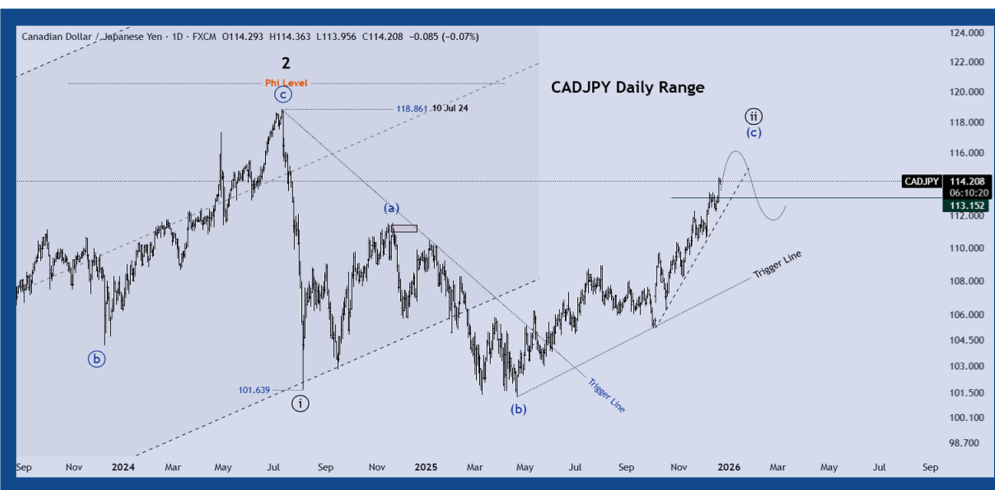
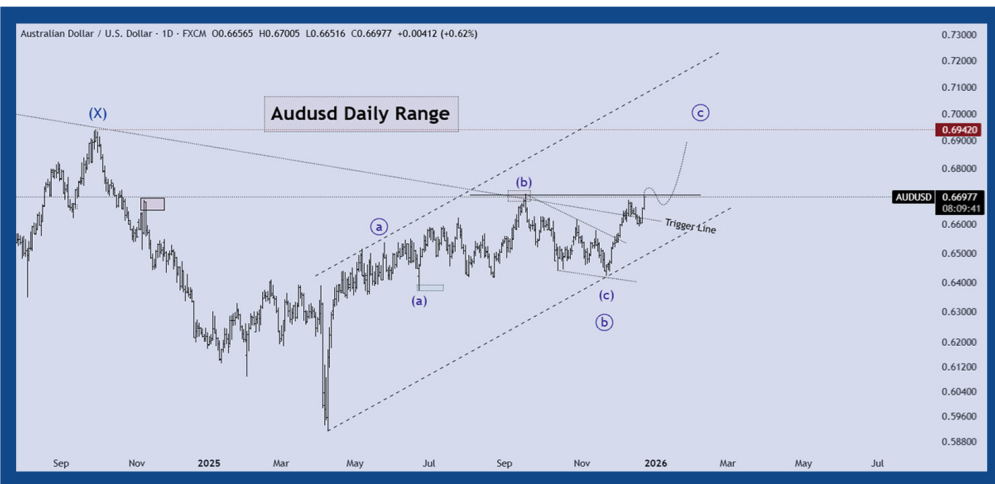
اوزی به دنبال تکمیل حرکت سه موجی صعودی خود از محدوده ۰,۶۴۶۰ حرکت خود را آغاز کرده

بنظر می‌رسد این مسیر تا حوالی ۰,۶۹۱ مانعی بر سر راه خود ندارد.

در کد به ین ژاپن محدوده ۱۱۳,۱۵ را به خوبی تارگت کردیم.

بنظر می‌رسد موج C ما هنوز تکمیل نشده و نشانه ای از چرخش روند نیز به چشم نمی‌خورد.

محدوده ۱۱۶ واحد محدوده ای موثر برای تکمیل این شاخه خواهد بود. خرید در این نقاط ارزندگی چندانی نخواهدداشت.

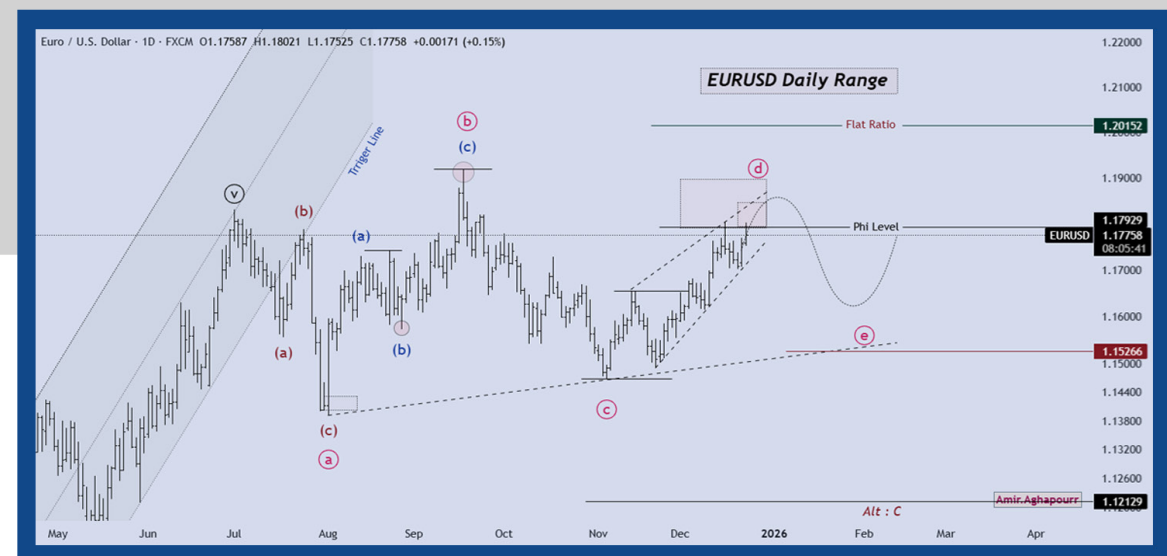




تحلیلگر: محمدجواد آقازاده

XAUUSD هفتگی

موج ۴ سیکل بزرگ (مشکی) با برخورد به Lower Limit (خط پایینی) چنگال اندروز به پایان رسیده و از نظر زمانی و قیمتی با موج ۲ در توازن است. موج ۵ سیکل بزرگ در حال شکل‌گیری است، در درجه کوچکتر، موج ۵ مشکی رنگ در حال اجراست و خود آن نیز به صورت ۵ موجی سبز رنگ در حال توسعه است. مقاومت اصلی: Upper Limit (خط بالایی) چنگال اندروز — که در محدوده ۴۷۰۰-۵۰۰۰ قرار دارد.



در یورو به دلار آمریکا شاهد امواج همگرا هستیم که به ما نوید تشکیل یک مثلث را می‌دهد.

اکنون به نسبت های موثری برای پیووت کردن موج D فرضی رسیدیم

در صورت تایید در مسیر موج نزولی E قرار خواهیم گرفت که شرایط را برای حرکت صعودی بعدی هموار می‌سازد

از اهداف این شاخه صعودی پس از تکمیل این اصلاح می‌توان به ۱,۲۰۱ در گام اول و ۱,۲۱۹ در گام بعدی اشاره داشت.

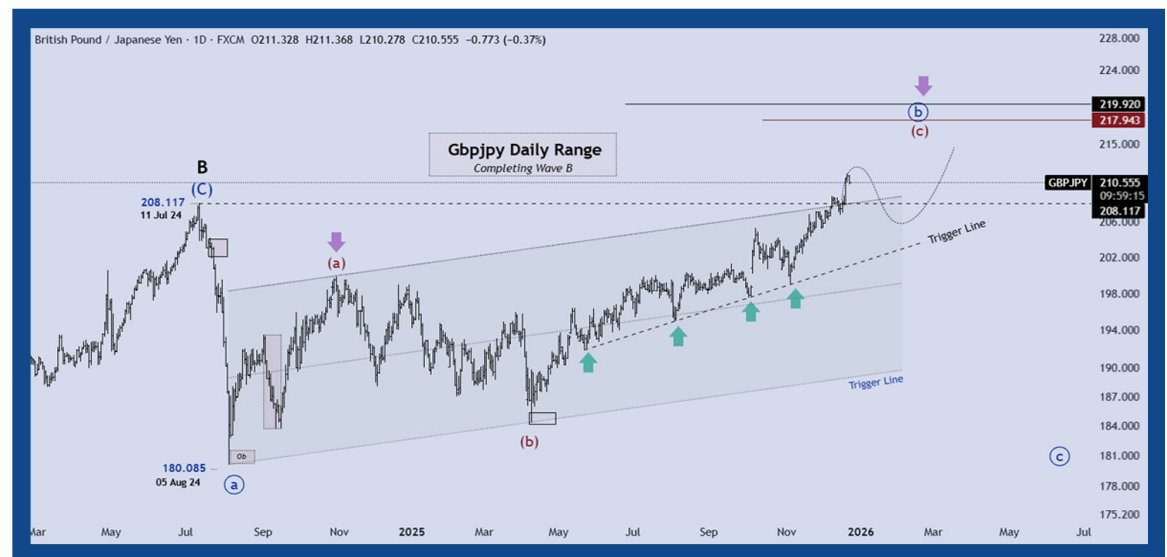
XAUUSD روزانه

موج ۵ اصلی (سبز رنگ): بازار در چارچوب یک روند صعودی اصلی قرار دارد که از آن به عنوان موج ۵ سبز یاد می‌شود. این نشان می‌دهد که روند کلی صعودی است و هنوز تکمیل نشده است.

موج ۴ اصلاحی (آبی رنگ):

بر اساس تحلیل، موج ۴ آبی (که یک اصلاح در درجه کوچکتر از موج سبز است) با برخورد به خط اپر لیمیت چنگال اندروز پایان یافته است. این اتفاق معمولاً نشان‌دهنده پایان اصلاح و آمادگی برای

شروع موج جدید صعودی است. با پایان موج ۴ آبی، بازار برای شروع موج ۵ آبی آماده است. این موج جدید باید حرکتی صعودی داشته باشد و معمولاً آخرین موج از یک ساختار پنج‌موجه محسوب می‌شود.



در پوند به ین ژاپن شکست پر قدرت سقف ۲۰۸,۱۱ را شاهد هستیم.

روند صعودی ما همچنان تا حوالی ۲۱۷,۹ پایدار خواهد بود اما جنس این رشد تا زمانی که محدوده ۲۱۹,۹ را حفظ کرده رشد اصلاحی خواهد بود و به دنبال تکمیل موج C از B این موج مسیر خود را دنبال خواهد کرد.

XAGUSD هفتگی

فاز پارابولیک (شتابدار صعودی):

بازار در یک روند صعودی شتابدار قرار دارد که نشان‌دهنده تمایل قوی خریداران و احتمالاً حضور اخبار بنیادی قوی است. موج ۴ مشکی (درجه بزرگ) در توازن با موج ۲ به پایان رسیده است، این نشان‌دهنده یک اصلاح متقارن و متعادل است و اکنون بازار برای موج ۵ مشکی آماده شده است.

موج ۵ مشکی در حال تکمیل ریزموج‌ها: امواج ۱، ۲، ۳ و ۴ از موج ۵ مشکی به پایان رسیده‌اند، اکنون در آستانه شروع موج ۵ از موج ۵ (آخرین قسمت صعود) هستیم.



XAGUSD روزانه

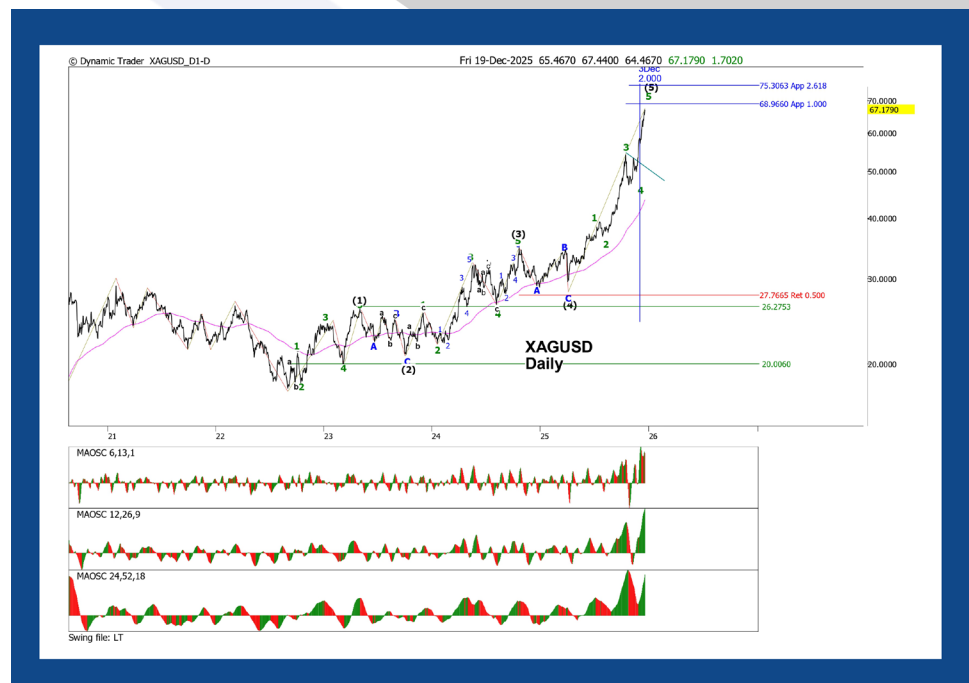
ساختار اصلی:

روند اصلی صعودی تحت موج ۵ مشکی (درجه بزرگ) قرار دارد، در درجه کوچکتر، موج سبز رنگ (از موج ۵ مشکی) در حال توسعه است، این موج سبز، خود آخرین بخش از حرکت صعودی بزرگ است و اهمیت زیادی دارد.

۲. وضعیت فعلی:

امواج ۱، ۲، ۳ و ۴ از موج سبز به پایان رسیده‌اند.

قیمت در جال تکمیل موج ۵ سبز (آخرین موج از موج ۵ مشکی) قرار دارد.



DOW روزانه

در داوجونز دو نوع لیبلینگ داریم:

۱- موج شماری مشکی رنگ: توازن و سیمولیشن مبرهن بین موج ۲ و ۴ مشکی رنگ مهم‌ترین علت این موج شماری است، «برخورد به کانال ترسیمی از کف ۲»، در این صورت با وجود اینکه روند همچنان صعود است و در ۵ مشکی رنگ قرار داریم، خریدهای بلند مدتی پیشنهاد نمی‌شود.

۲- در ریزش عمیق اپریل موج ۴ سبز رنگ از موج ۳ مشکی بزرگ به پایان رسیده است، در این صورت می‌توانیم با حجم کمتر برای مدت طولانی تری در بازار حضور داشته باشیم.



DAX روزانه

دو خط آبی رنگ استاپ تحلیل‌ما برای اعتقاد به صعود در شاخص دکس می‌باشد، موج ۴ مشکی رنگ به احتمال بالایی به پایان رسیده است، این موج به وضوح از یک ۳ موجی آبی رنگ تشکیل شده است، همچنین موج B این سه موجی، از ۳ موج اصلاحی تشکیل شده است، توازن ایجاد شده در برخوردهای متواتر با چنگال اهمیت دوچندانی به این ساختار می‌دهد، شاخص برای اهداف اپر لیمیت چنگال به استاپ مشخص خریدنی می‌باشد.



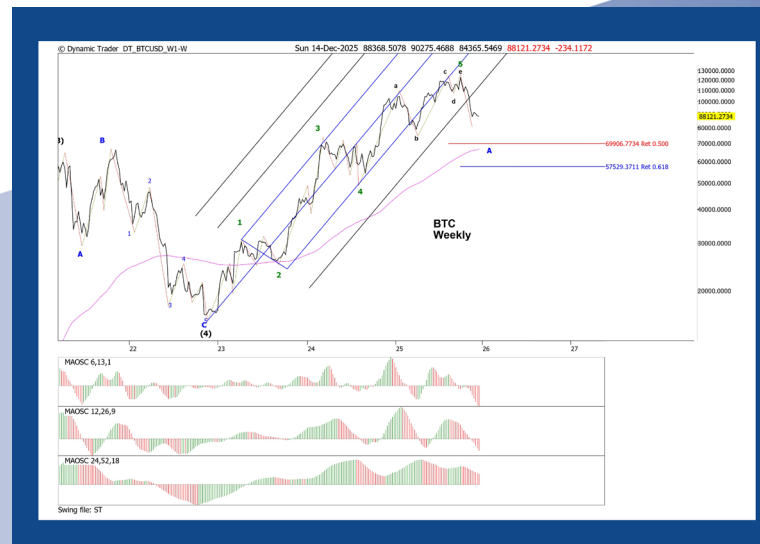
BTC هفتگی

۵ موجی سبز رنگ به احتمال بسیار بالایی به اتمام رسیده است، موج ۵ ساختار بسیار شفافی از اندینگ دارد، شکسته شدن لوئر لیمیت در چنگال، آغاز فاز نزولی بیتکوین می‌باشد، در حال حاضر دو مسیر مدنظر می‌باشد:

۱- ۳ موجی اصلاحی در ۶۹۹۰۶ به پایان می‌رسد .

۲- موج A از ۳ موجی اصلاحی در ۵۷۵۲۹ تا ۶۹۹۰۷ به پایان برسد.

در هر دو سناریو بیت کوین در ارقام ذکر شده خریدنی خواهد بود.



WTI روزانه

ساختار پایانی در تایم فریم روزانه نفت، از الگوهای پیچیده‌ی اصلاحی در هارمونیک الیوت می‌باشد، از اینروز باتوجه به اعتقاد ما بر حداقل یک صعود موقتی در نفت، دو ساختار محتمل است:

۱- X موج مجدد صعودی تا سقف کانال

۲- شروع موج ۱ صعودی «نشانه این گام شکسته شدن پر قدرت سقف کانال می‌باشد»



WHEAT روزانه

الگوهای پیچیده در بازار گندم همچنان ادامه دارند. با توجه به ساختار این الگوها به صورت ABC-X-ABC، اطلاعات دقیقی درباره زمان پایان فرم اصلاحی در دسترس نیست. با این حال، نکته حائز اهمیت این است که این الگو به وضوح اصلاحی است و پس از اتمام آن، انتظار می‌رود بازار روند حرکتی خود را به نمایش بگذارد. رویکرد معاملاتی پیشین ما در ماه گذشته مبنی بر قرار دادن با استاپ در پیوت، در شرایط نزولی فعال نشد، در حال حاضر کف کانال استاپ معتبری برای خرید می‌باشد



COCOA هفتگی

در تایم فریم هفتگی، موج ۴ نزولی کاکائو به پایان رسیده است و همراهان ما در نشریه تحلیلی با رویکرد اتخاذی انباشت در سود شگفت انگیزی قرار دارند، در حال حاضر پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران با سود همراه بوده و به صورت هیجانی از معاملات خود خارج نشوند، هیچ استاپ پایین باکس قرمز رنگ رویکرد محافظتی پیشنهادی ما از سرمایه می‌باشد.



BABA روزانه

در حال حاضر سهام BABA در موج ۴ سبز رنگ از موج ۳ بزرگ مشکی رنگ قرار دارد. این موقعیت می‌تواند فرصتی مناسب برای ورود به بازار باشد. پیشنهاد می‌شود که معامله‌گران خریدهای پله‌ای را در این ناحیه انجام دهند تا از پتانسیل صعودی قیمت بهره‌برداری کنند. استاپ تحلیلی ما در ۱۳۲ دلار و نقطه ورود به موج ۱ سبز رنگ قرار دارد.

برای مدیریت ریسک، استاپ‌لاس معامله در سطح ۱۳۲ دلار تعیین شده است،

که با خط قرمز در چارت مشخص شده است. این استراتژی می‌تواند به حفظ سرمایه و کاهش ریسک در صورت بروز نوسانات نامطلوب کمک کند.

با توجه به تحلیل‌های موجود، این فرصت می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا در مسیر رشد سهام BABA قرار بگیرند.





CYCFX.COM

ارتباط با ما



CYCLICALWAVES



CWEDU